

مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران / دوره ۴، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۴: ۶۱۵-۶۳۵

تبیین رابطه سرمایه اجتماعی کاربران ایرانی در شبکه اجتماعی فیس بوک و مشارکت سیاسی در دنیای واقعی

حمید عبداللهیان^۱

حسین کرمانی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۰/۰۹

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۲/۰۱

چکیده

هدف این پژوهش، سنجش و تبیین رابطه بین سرمایه اجتماعی کاربران در شبکه اجتماعی فیس بوک و مشارکت سیاسی آنها در دنیای واقعی است. بدین منظور، از نظریه سرمایه اجتماعی رابرت پوتنام و نظریه مشارکت سیاسی مایکل راش به عنوان سنتزی نظری استفاده شده است. شبکه اجتماعی فیس بوک به دلیل داشتن کاربران بسیار، به عنوان میدان پژوهش و واحد تحلیل انتخاب شده و دانشجویان ایرانی، به روش پیمایش آنلاین مطالعه شده‌اند. در این پژوهش، ابتدا به روش نمونه‌گیری وارونه و به کارگیری فرمول نمونه‌گیری منعطف - که ویژه پیمایش‌های آنلاین است - حجم نمونه ۶۶۹ نفر محاسبه شد. سه ماه پس از طراحی و انتشار پرسشنامه در درایو گوگل، حجم نمونه به ۶۷۴ نفر افزایش یافت. براساس نتایج، افزایش سرمایه اجتماعی کاربران در فیس بوک، موجب افزایش مشارکت سیاسی آنها در جهان واقعی می‌شود. همچنین از میان شاخص‌های سرمایه اجتماعی، باز یا بسته بودن شبکه دوستان، باز یا بسته بودن شبکه‌های گروه‌ها و صفحه‌ها، تراکم شبکه و شرایط دستیابی به منابع، چهار شاخص تبیین‌کننده مشارکت سیاسی کاربران هستند.

واژه‌های کلیدی: سرمایه اجتماعی، شبکه اجتماعی، فیس بوک، مشارکت سیاسی.

۱. استاد گروه ارتباطات، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)، habdolah@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری علوم ارتباطات اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، h.kermani@ut.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

هدف این پژوهش، تبیین رابطه سرمایه اجتماعی در شبکه اجتماعی فیس‌بوک و مشارکت سیاسی در دنیای واقعی در میان دانشجویان ایرانی است. از آنجاکه برداشت‌های گوناگونی از مفهوم سرمایه اجتماعی وجود دارد، شایان ذکر است منظور از این مفهوم، برداشت پوتنام است؛ چراکه وی به رابطه این سرمایه با مشارکت سیاسی اشاره کرده است. به اعتقاد پوتنام، سرمایه اجتماعی تسهیل‌کننده روابط اجتماعی است و راه رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی را هموار می‌سازد (پوتنام، ۲۰۰۰).

پژوهش‌ها در این حوزه، بیشتر به رابطه اینترنت و مشارکت سیاسی در دنیای واقعی (والنزولا و همکاران، ۲۰۱۱؛ سئونگی و وو-یونگ، ۲۰۱۱؛ موریس و موریس، ۲۰۱۳؛ استانیلی و ویور، ۲۰۰۴) یا اینترنت و سرمایه اجتماعی در دنیای واقعی (ولمن و همکاران، ۲۰۰۱؛ لی و لی، ۲۰۱۰؛ گونزالس، ۲۰۱۵) پرداخته‌اند. در سال‌های اخیر، در پژوهش‌هایی نیز رابطه استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و مشارکت سیاسی مطالعه شد (گوستاوسن، ۲۰۱۲؛ تانگ و لی، ۲۰۱۳؛ والر، ۲۰۱۳؛ کوشین و کیشنر، ۲۰۰۹). از دیدگاه نگارندگان، اگر مفهوم سرمایه اجتماعی را در فرایند سنجش تأثیر استفاده از متغیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر متغیر مشارکت سیاسی کاربران دخالت دهیم، رابطه دو متغیر شفاف‌تر می‌شود و می‌توان در این حوزه تولید دانش کرد. همچنین نوعی خلأ مطالعاتی در حوزه سنجش رابطه این متغیرها به‌ویژه در قشر جوان و دانشجو وجود دارد. بدین ترتیب، با این مطالعه می‌توان دریافت آیا می‌توان از سرمایه اجتماعی در فضای مجازی برای پیش‌بینی متغیرهای دنیای واقعی استفاده کرد یا خیر. از سوی دیگر، در دنیای واقعی، سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی ارتباط نزدیکی با هم دارند (آدلر و گاکین، ۲۰۰۵؛ ویجل، ۲۰۰۶). این ارتباط نزدیک، موجب اثرگذاری این متغیرها بر یکدیگر می‌شود. رابطه مشارکت سیاسی و سرمایه اجتماعی در دنیای واقعی را محققانی مانند تاپیا و اورتیز (۲۰۱۰)، اشنایدر (۲۰۰۷) و اکبری (۱۳۸۳) مطالعه کردند. پوتنام (۱۹۹۵) نیز به رابطه این دو متغیر اشاره کرده است، اما هنوز مطالعه جامعی درباره سرمایه اجتماعی کاربران در شبکه‌های اجتماعی مجازی و رابطه آن با مشارکت سیاسی در دنیای واقعی در ایران، به‌ویژه در میان دانشجویان انجام نشده است. در صورتی‌که با توجه به جمعیت بالای کاربران ایرانی - که حدود ۴۶ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود و سبب شده ضریب نفوذ اینترنت در ایران ۵۷/۲

درصد باشد (اینترنت ورد استاتز، ۲۰۱۵) - و همچنین تعداد بالای کاربران ایرانی فیس بوک، چنین مطالعه‌ای ضروری به نظر می‌رسد. البته به دلیل نبود آمار معتبر، امکان دسترسی به تعداد دقیق کاربران ایرانی در این سایت میسر نیست، اما تا زمان انجام این پژوهش، براساس برآوردها حدود ۱۱ میلیون نفر ایرانی کاربر فیس بوک‌اند (مشرق نیوز، ۱۳۹۲). البته این رقم، با تخمین ما که بین ۱۶,۸۰۰,۰۰۰ تا ۱۷,۲۰۰,۰۰۰ است فاصله دارد. در این پژوهش، همین تخمین مبنای قضاوت قرار می‌گیرد.

در بحث زیر ابتدا تبیینی نظری درباره رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی ارائه می‌شود و سپس شیوه تجربی اثبات ادعاهای نظری پژوهش ارزیابی می‌شود.

چارچوب نظری

بازتاب سرمایه اجتماعی در شبکه اجتماعی و اثر آن در مشارکت سیاسی

بحث نظری در اینجا شامل مفهوم سازی سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی است. سرمایه اجتماعی مفهومی است که هرچند در سال‌های دور از سوی لیدا جی هانیفان و جین جاکوب مطرح شد (هانیفان، ۱۹۲۰؛ منظور و یادی پور، ۱۳۸۷؛ تاجبخش، ۱۳۸۴)، با دیدگاه‌های بوردیو، کلمن و پوتنام، در اغلب رشته‌های علوم انسانی مورد توجه واقع شد (ون هوت، ۲۰۱۱؛ فیلد، ۱۳۸۴). در واقع، این سه نفر بیشترین تأثیر را در این حوزه از خود برجای گذاشتند. هریک از این افراد، تعریفی از سرمایه اجتماعی ارائه دادند و از زاویه‌ای خاص این مفهوم را تحلیل کردند، اما این رابرت پوتنام (۱۹۹۵) بود که با انتشار کتاب «بازی پولینگ در تنهایی» مفهوم سرمایه اجتماعی را عمومی کرد و آن را به مرکز مباحثات علمی کشاند (فارل و همکاران، ۲۰۰۳؛ فیلد، ۱۳۸۴؛ پوتنام، ۱۹۹۵). وی سرمایه اجتماعی را وسیله‌ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی در سیستم‌های مختلف سیاسی در نظر گرفت (رابتیوتچر، ۲۰۰۸؛ الوانی و سیدنقوی، ۱۳۸۰). به عبارت دیگر، پوتنام این سرمایه را وجهی از ساختار اجتماعی و گرایش‌های تسهیل کننده همکاری و هماهنگی در جهت رسیدن به منافع مشترک قلمداد کرد. وی به تأسی از دوتوکویل و دورکیم، زندگی انجمنی را پایه رسیدن به دموکراسی معرفی کرد (پوتنام، ۲۰۰۰).

پوتنام سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیم نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها در نظر می‌گیرد که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع می‌شود و در نهایت، منافع

متقابل آن‌ها را تأمین می‌کند. وی چندین تعریف متفاوت از سرمایه اجتماعی در کتاب‌ها و مقاله‌های خود ارائه کرد، اما در آخرین تعریف از سرمایه اجتماعی اظهار داشت که ایده اصلی سرمایه اجتماعی این است که شبکه‌های اجتماعی ارزشمندند و تماس‌های اجتماعی، بر کارایی افراد و گروه‌ها تأثیر می‌گذارند (پوتنام، ۲۰۰۰: ۲۳).

وی در اینجا اعتماد را به‌همراه کنش متقابل، به‌عنوان جزء ذاتی هنجارهایی که در نتیجه شبکه‌های اجتماعی به‌وجود می‌آیند، ارائه داد و بدین‌طریق، برای شرح سرمایه اجتماعی، به‌جای سه عنصر اصلی که پیش از این در کارهایش ارائه کرده بود، از دو عنصر اصلی، یعنی شبکه‌ها و هنجارها استفاده کرد (فیلد، ۱۳۸۸). منظور از هنجارها در نظریه سرمایه اجتماعی، «برداشت‌ها، قواعد و رسوم غیررسمی مشترک است که رفتارهای معینی را در اوضاع مختلف، تجویز، ممنوع یا تعدیل می‌کند» (پوتنام، ۲۰۰۰). از دیدگاه پوتنام، مهم‌ترین هنجارها در تولید سرمایه اجتماعی، مربوط به کنش متقابل هستند (همان). درضمن، وی شبکه را گروهی از افراد می‌داند که معمولاً یک ویژگی مشترک دارند (همان).

با همه مباحث درباره سرمایه اجتماعی، به این مفهوم در شبکه‌های اجتماعی فضای مجازی کمتر توجه شده است. محققانی مانند پایپاریسی و مندلسون (۲۰۱۱)، ولمن و همکاران (۲۰۱۱)، الیسون و همکاران (۲۰۰۷) و کوبایاشی (۲۰۰۹)، به مطالعه رابطه سرمایه اجتماعی با کاربری اینترنت یا شبکه‌های اجتماعی مجازی پرداختند، اما همگی آن‌ها سرمایه اجتماعی را امری مجزا در نظر گرفتند و تأثیر آن را برای مثال، در کاهش یا افزایش استفاده از اینترنت یا سایت‌های شبکه‌های اجتماعی مطالعه کردند؛ درحالی‌که در این پژوهش، منظور از سرمایه اجتماعی در فیس‌بوک، آن نوع سرمایه است که در خود سایت و در نتیجه کنش‌ها و اقدامات کاربران به‌وجود می‌آید. بعضی از محققان (پایپاریسی و مندلسون، ۲۰۱۱؛ عاملی، ۱۳۸۹) وجود این سرمایه را پذیرفتند، اما در مورد شاخص‌ها و جنس آن سخنی به‌میان نیاوردند.

پیش از این، با استفاده از نظریه سرمایه اجتماعی پوتنام و شاخص‌های پروژه «ابتکار تحقیقات سیاستگذاری»^۱ (فرانک، ۲۰۰۵) و وندی استون (۲۰۰۱) برای سنجش سرمایه اجتماعی در دنیای واقعی، شاخص‌های سنجش این سرمایه در فیس‌بوک معرفی شدند (عبداللّه‌یان و کرمانی، ۱۳۹۲: جدول ۱). در پژوهش حاضر نیز از همین شاخص‌ها استفاده می‌شود.

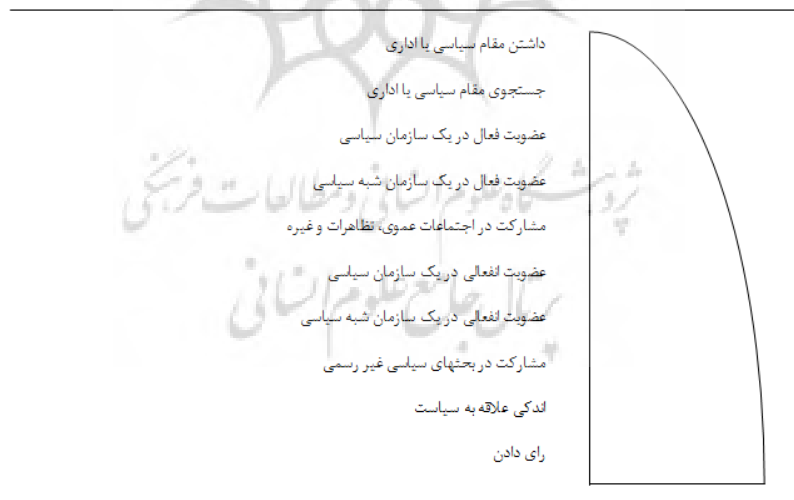
جدول ۱. شاخص های سنجش سرمایه اجتماعی در شبکه اجتماعی فیس بوک

سرمایه اجتماعی شخصی	شبکه های بین شخصی	مؤلفه های سرمایه اجتماعی که باید اندازه گیری شوند		
- میزان کنش هایی مانند پسندیدن، برچسب زدن، کامنت گذاشتن، ارسال و دریافت پیام، دریافت پیام درخواست دوستی، گفت و گو، اشتراک گذاری، ایجاد رویداد و دعوت دوستان به آن	- درصد اعضای فهرست دوستان کاربر که جزء دوستان واقعی یا اعضای خانواده و... هستند	تراکم شبکه، شدت و بسامد تماس		
- تعداد اعضای فهرست دوستان کاربر که هم میهن وی هستند یا نیستند	- جهانی / محلی - جهانی / محلی بودن و صفحات مورد پسند وی	جهانی / محلی - بودن	مشخصات ساختاری شبکه ها	حضور سرمایه اجتماعی (هنجارها)
- میزان سهل گیری کاربر در ارسال و پذیرفتن درخواست های دوستی	- توقف یا ادامه عضوگیری صفحات مورد پسند و گروه های مرجع کاربر	باز یا بسته بودن سرمایه اجتماعی منفی		
- حذف پسند، برچسب (که خود کاربر ایجاد کرده است) و پست های دیگر اعضا	- درصد اعضای فهرست دوستان کاربر که جزء دوستان واقعی یا اعضای خانواده و... هستند	نزدیکی فضایی اعضای شبکه		
- شرکت در رویدادها و نحوه تبریک تولد	- وجود یا نبود راه حل های جایگزین، احساس وابستگی، سختی در درخواست کمک، ارزیابی محدودیت های شبکه برای کمک و...	بسیج شبکه ها: شرایط دستیابی به منابع		
- انتظارات درباره منابع و حمایت های موجود (به صورت بالقوه) و حمایت ها و منابع دریافت شده (به صورت بالفعل)	- انتظارات درباره منابع و حمایت های موجود (به صورت بالفعل)	بسیج شبکه ها: شکاف بین منابع مورد انتظار و دریافت شده	پویایی شبکه ها	کارکرد سرمایه اجتماعی (شبکه ها)
- هنجارها: ابعاد اخلاقی و فرهنگی روابط (مانند اعتماد، تعلق، تحمل، انعطاف و...)	- قواعد داخلی شبکه	هنجارها و قواعد داخلی شبکه		

دومین مفهوم، مشارکت سیاسی است که آن را می‌توان به‌سادگی، مشارکت افراد در امور مربوط به سیاست دانست که نشان‌دهنده حمایت عمومی از رفتارهای سیاسی دولت است (ویجل، ۲۰۰۶). همچنین به نظر راش (۱۳۹۰) مشارکت سیاسی، درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی، از کناره‌گیری (مداخله‌نکردن) تا داشتن مقام رسمی را دربرمی‌گیرد. راش با این تعریف نتیجه می‌گیرد که مشارکت سیاسی، پدیده‌ای جهانی است؛ بدین‌معنا که در همه جوامع یافت می‌شود.

جیرینت پری (راش، ۱۳۹۰) نیز معتقد است که باید سه جنبه مشارکت سیاسی، یعنی شیوه، شدت و کیفیت آن مطالعه شود. لستر میلبرات (همان) نیز در کتاب مشارکت سیاسی، سلسله مراتبی از مشارکت را مطرح کرد که از کناره‌گیری تا گرفتن مقام رسمی دولتی را شامل می‌شود. پایین‌ترین سطح مشارکت واقعی، رأی‌دادن در انتخابات است.

در مدل میلبرات، سه دسته فعالیت از یکدیگر تفکیک می‌شوند: فعالیت‌های تماشاگرانه، متوسط و پرتلاش. افرادی که اهل هیچ‌یک از این فعالیت‌ها نیستند، بیرون از این سلسله‌مراتب و در زمره بی‌اعتناها قرار می‌گیرند (سیدامامی، ۱۳۸۶). راش با الهام از مدل میلبرات، سلسله‌مراتب خود را برای مشارکت سیاسی به شکل زیر ارائه کرد:



عدم درگیری در سیاست

شکل ۱. سطوح مشارکت سیاسی

منبع: راش، ۱۳۹۰

به نظر می‌رسد راش تعریف گسترده‌تری از مشارکت سیاسی ارائه می‌کند و برخلاف سیدامامی، مشارکت سیاسی را محدود به کنش‌ها نمی‌داند.

به نظر نگارندگان می‌توان از مفهوم سرمایه اجتماعی پوتنام- که آن را در شبکه‌ها تعریف می‌کند و یکی از جلوه‌های آن را مشارکت سیاسی می‌داند- و نیز مفهوم مشارکت سیاسی مایکل راش، سنتزی نظری ساخت که براساس آن، فیس‌بوک به‌عنوان یک شبکه اجتماعی، قابلیت آن را دارد که مشارکت سیاسی کاربران را در مفهوم مورد نظر مایکل راش افزایش دهد یا حداقل بر آن تأثیر بگذارد. براین اساس، فرضیه زیر را در اینجا آزمایش می‌کنیم تا ادعاهای نظری بالا را به‌طور تجربی مطالعه کنیم:

کاربران دارای سرمایه اجتماعی بالا در فیس‌بوک، به مشارکت سیاسی در دنیای واقعی تمایل بیشتری دارند.

این فرضیه را پیش از این محققانی مانند والنزولا و همکاران (۲۰۰۹) آزمایش کردند. آن‌ها به همبستگی مثبت بین متغیرهای استفاده از فیس‌بوک و گروه‌های فیس‌بوکی و میزان مشارکت سیاسی و مدنی، رضایت از زندگی و اعتماد اجتماعی اشاره کردند. در این پژوهش، این رابطه با واردکردن مفهوم سرمایه اجتماعی در مطالعه شبکه اجتماعی فیس‌بوک، با دقت بیشتری مطالعه می‌شود.

روش‌شناسی مطالعه سرمایه اجتماعی کاربران فیس‌بوک

روش این مطالعه، مبتنی بر استفاده از داده‌های پیمایشی است. نمونه‌گیری آن نیز با تلفیقی از دو روش هدفمند و گلوله‌برفی انجام شده است. از آنجاکه بر سر تصادفی بودن این دو روش مناقشه وجود دارد، از رویکرد بی‌استفاده می‌کنیم که معتقد است این دو روش در زمره روش‌های تصادفی غیراحتمالی هستند (ببی، ۱۳۸۵). روش هدفمند، برای تعیین اعضای نمونه در این پژوهش مناسب است؛ چراکه فهرست معتبری از دانشجویان ایرانی عضو شبکه اجتماعی فیس‌بوک در دست نیست؛ بنابراین، نمی‌توان از روش‌های احتمالی استفاده کرد.

این پژوهش به روش پیمایش آنلاین انجام شد که در مقایسه با شیوه‌های سنتی مزایایی دارد. جمعیت مورد مطالعه در این پژوهش، دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران شامل شهیدبهشتی، تهران، صنعتی شریف، صنعتی امیرکبیر، خواجه‌نصیر، علامه طباطبایی، علم و صنعت و تربیت مدرس‌اند که در شبکه اجتماعی فیس‌بوک عضویت دارند. از آنجاکه تعداد دقیق اعضای

ایرانی فیس‌بوک مشخص نیست، نمی‌توان از روش‌های غیرآنلاین استفاده کرد و حتی نمی‌توان حجم نمونه مورد نیاز را تخمین زد. به همین دلیل، نمونه باید به روش‌های دیگری انتخاب می‌شد. از آنجاکه بیشتر کاربران فیس‌بوک را جمعیت جوان و تحصیل‌کرده تشکیل می‌دهند (پاپاچاریسی و مندلسون، ۲۰۱۱)، با انتخاب این افراد به‌عنوان جامعه آماری می‌توان ادعا کرد که نتایج پژوهش روایی بالاتری دارد. به همین دلیل، دانشجویان به‌عنوان جامعه آماری انتخاب شدند.

ابتدا از طریق سایت یا مکاتبه با روابط عمومی دانشگاه‌ها، تعداد دانشجویان این دانشگاه‌ها

به شرح زیر به دست آمد:

- دانشگاه تهران: ۳۰،۰۰۰ نفر
- دانشگاه شهیدبهبشتی: ۱۵۰۰۰ نفر
- دانشگاه صنعتی شریف: ۱۲۶۰۰ نفر
- دانشگاه صنعتی امیرکبیر: ۸۴۰۰ نفر
- دانشگاه خواجه‌نصیرالدین طوسی: ۷۲۰۰ نفر
- دانشگاه علامه طباطبایی: ۱۵۰۰۰ نفر
- دانشگاه علم و صنعت: ۱۱۰۰۰ نفر
- دانشگاه تربیت مدرس: ۶۰۰۰ نفر

در مجموع، تعداد کل دانشجویان این دانشگاه‌ها بالغ بر ۹۰،۲۰۰ نفر بود، اما برای تخمین تعداد دانشجویان عضو فیس‌بوک، از روش تخمین حجم جوامع کلان استفاده شد (ملکمیان و شیرانی، ۱۳۶۴؛ عبداللهیان، ۱۳۸۷). برای انجام این کار در خوابگاه کوی دانشگاه تهران، سه جمعیت ۲۵۰ نفره و در دانشگاه تربیت مدرس یک جمعیت ۲۵۰ نفره انتخاب شدند و طی پرسش از آن‌ها مشخص شد که بین ۷۰ تا ۸۰ نفر از این افراد (حداکثر ۳۲ درصد از دانشجویان این دانشگاه‌ها) عضو فیس‌بوک‌اند. براین اساس، جامعه آماری پژوهش شامل بیش از ۲۸۱۹ نفر است. پس از تعیین حجم جامعه آماری، با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه برای جوامع کلان (ملکمیان و شیرانی، ۱۳۶۴؛ عبداللهیان، ۱۳۸۷) حجم نمونه به شکل زیر تخمین زده شد:

$$S^2 = \text{واریانس}$$

مقدار اشتباه قابل قبول که ۰/۰۵ تعیین شد E=

Y_i = مقادیر صفات متغیر کمی برای هر نمونه اتفاقی در مرحله پیش آزمون

\bar{Y}_n = میانگین متغیر کمی در جمعیت نمونه اتفاقی

حجم نمونه $n =$

$$S^2 = \frac{\sum_{i=1}^n (Y_i - \bar{Y}_n)^2}{n-1}$$

$$n = \frac{z^2 \frac{s^2}{E^2}}{1 + \frac{1}{N} z^2 \frac{s^2}{E^2}}$$

تعیین دقیق حجم نمونه، براساس نمونه اتفاقی و با استفاده از یک متغیر کمی، از طریق پیش آزمون انجام گرفت. در واقع، پس از گردآوری ۲۱۸ پاسخنامه در مرحله پیش آزمون، از آنها برای تعیین حجم نهایی نمونه استفاده شد. از آنجاکه فرمول بالا به انتخاب واریانس یک متغیر کمی نیاز دارد، تعداد رویدادهای ساخته شده کاربران را به عنوان این متغیر برگزیدیم که در پیش آزمون دارای واریانس ۰/۸ بود. با توجه به فرمول و اطلاعات بالا و با جایگذاری مقادیر مربوط به این متغیر در فرمول، حجم نمونه مورد نیاز ۶۶۹ نفر به دست آمد. سپس پرسشنامه با استفاده از سایت گوگل درایو، طراحی و بارگذاری و از تاریخ ۲۸ مهرماه ۱۳۹۰ تا اول بهمن ماه همان سال، برای جمعیت مورد مطالعه ارسال شد. براساس روش هدفمند و گلوله برفی - که معمولاً در روش های کیفی به کار می رود - ابتدا پرسشنامه برای آن دسته از دوستان عضو فیس بوک که در یکی از دانشگاه های مورد مطالعه تحصیل می کنند، فرستاده شد و با یادآوری شرایط اعضای نمونه، از آنها خواسته شد تا این پرسشنامه را برای اعضای دارای این شرایط ارسال کنند. همچنین فهرستی از ایمیل دانشجویان این دانشگاه ها، با مراجعه حضوری تهیه و پرسشنامه برای آنها ارسال شد. در نهایت، ۶۷۴ نفر به پرسشنامه پاسخ دادند و پاسخنامه را ارسال کردند. از آنجاکه فرمول بالا برخلاف فرمول کوکران، واریانس واقعی یک متغیر کمی را مبنای محاسبه حجم نمونه قرار می دهد، با آنکه حجم نمونه کاملاً تصادفی نبود، برای اطمینان بیشتر و کاهش سوگیری، از این طریق افزایش یافت.

تحلیل یافته‌ها

پیش از پرداختن به آزمون فرضیه و جداول مربوط به آن باید آمار توصیفی نمونه مورد مطالعه مطالعه شود تا تصویری شفاف از نمونه مورد مطالعه به دست آید. بدین منظور، در ابتدا آمار توصیفی متغیر تحصیلات در جدول ۲ ارائه می‌شود.

جدول ۲. توزیع فراوانی متغیر تحصیلات

متغیر	ابعاد	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تراکمی
تحصیلات	فوق دیپلم	۴۰	۵/۹	۵/۹
	کارشناسی	۱۹۳	۲۸/۶	۳۴/۶
	کارشناسی ارشد	۴۰۴	۵۹/۹	۹۴/۵
	دکتری و بالاتر	۳۷	۵/۵	۱۰۰
	مجموع	۶۷۴	۱۰۰	

همان‌طور که مشخص است، بیشتر افراد (۵۹/۹ درصد) در مقطع کارشناسی ارشد تحصیل می‌کنند. همچنین دامنه تغییرات سنی جمعیت نمونه، از ۱۷ تا ۵۰ سال است. در این دامنه، کمترین فراوانی به افراد ۱۹ ساله مربوط می‌شود و بیشترین فراوانی به افراد ۲۶ ساله تعلق دارد (جدول ۳).

به‌طور کلی، بیشتر افراد در سنین ۲۳، ۲۴، ۲۵ و ۲۶ قرار دارند و می‌توان گفت که در مجموع، سن ۴۰۵ نفر از جمعیت نمونه بین ۲۳ تا ۲۶ است (همان). همچنین براساس یافته‌ها، ۳۷/۱ درصد (۲۵۰ نفر) از اعضای نمونه مرد و ۶۲/۹ درصد زن هستند (جدول ۴).

جدول ۳. توزیع فراوانی متغیر سن

سن	فراوانی	درصد	سن	فراوانی	درصد
۱۷	۱۵	۲/۲	۲۸	۱۵	۲/۲
۱۸	۱۳	۱/۹	۲۹	۲۵	۳/۷
۱۹	۳	۰/۴	۳۰	۱۵	۲/۲
۲۰	۱۹	۲/۹	۳۱	۲۱	۳/۲
۲۱	۱۸	۲/۷	۳۲	۲۱	۳/۲
۲۲	۲۴	۳/۷	۳۳	۷	۱
۲۳	۷۴	۱۱	۳۴	۳	۰/۴

تبیین رابطه سرمایه اجتماعی کاربران ایرانی در شبکه اجتماعی فیس بوک و ... ۶۲۵

ادامه جدول ۳. توزیع فراوانی متغیر سن

سن	فراوانی	درصد	سن	فراوانی	درصد
۲۴	۱۰۱	۱۴/۹	۳۵	۹	۱/۳
۲۵	۱۱۰	۱۶/۳	۳۷	۶	۰/۹
۲۶	۱۲۱	۱۸	۳۸	۹	۱/۳
۲۷	۳۸	۵/۶	۵۰	۷	۱

جدول ۴. توزیع فراوانی متغیر جنسیت

متغیر	ابعاد	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
جنس	مذکر	۲۵۰	۳۷/۱	۳۷/۱
	مؤنث	۴۲۴	۶۲/۹	۱۰۰
	مجموع	۶۷۴	۱۰۰	

آمار توصیفی مربوط به شاخص‌های سرمایه اجتماعی در فیس‌بوک نیز در جدول ۵ مشاهده

می‌شود.

جدول ۵. آمار توصیفی شاخص‌های تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی در فیس‌بوک

متغیر	تعداد	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار
شبکه‌های جهانی - ملی	۶۷۴	۳	۱۵	۸/۷۶	۲/۴۹
باز یا بسته بودن شبکه دوستان	۶۷۴	۲	۱۹	۷/۱۷	۲/۹۸
باز یا بسته بودن شبکه حاصل از گروه‌ها و صفحه‌ها	۶۷۴	۰	۲۵	۰/۷۸	۲/۵۰
سرمایه اجتماعی منفی (حذف پست، برچسب و...)	۶۷۴	۰	۵۳	۲۴/۳۶	۵۷/۱۶
تراکم شبکه	۶۷۴	۰	۳۵۶	۲۶/۷۳	۳۵/۶۷
نزدیکی فضایی بین اعضا	۶۷۴	۲	۳۶۱	۵۳/۴۶	۵۰/۱۱
شرایط دستیابی به منابع	۶۷۴	۲	۱۴	۵/۸۰	۲/۸۴
شکاف منابع مورد انتظار و حاصل شده	۶۷۴	۱	۸	۳/۵۴	۲/۰۲
هنجارها و قواعد داخلی شبکه	۶۷۴	۳	۲۱	۱۲/۳۸	۴/۵۱
اعتماد به دیگر کاربران	۶۷۴	۶	۲۴	۱۳/۱۰	۳/۵۴
اعتماد به فیس‌بوک	۶۷۴	۳	۲۰	۹/۳۸	۳/۴۹
هنجارهای کنش متقابل	۶۷۴	۴	۸	۶/۳۳	۱/۰۶
سرمایه اجتماعی کل	۶۷۴	۲۶	۱۴۰۱	۱۶۹/۷۳	۸۹/۷۴

همچنین در اینجا آمار توصیفی متغیر مشارکت سیاسی شایان توجه است. در عین حال، پیش از ارائه آمار توصیفی مربوط به این متغیر باید یادآوری کرد که گویه‌های این پرسشنامه برای سنجش مشارکت سیاسی، از پژوهش فتحی (۱۳۸۵) اقتباس شده است.

جدول ۶. آمار توصیفی متغیر مشارکت سیاسی

متغیر	فراوانی	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف استاندارد
مشارکت سیاسی	۶۷۴	۹	۷۴	۲۵/۳۶	۱۵/۶۴

میانگین و انحراف استاندارد مشارکت سیاسی در اعضای نمونه ۲۵/۳۶ و ۱۵/۶۴ است. پایین‌ترین نمره این متغیر ۹ و بالاترین آن‌ها ۷۴ است (جدول ۶). این میزان از مشارکت سیاسی، علی‌رغم فاصله با عدد ۷۴ نشان می‌دهد میانگین این تمایل در سطحی قابل قبول است. اهمیت این نتیجه به این دلیل است که ابتدا روشن می‌کند که تمایل به مشارکت سیاسی وجود دارد. حال در بحث‌های تحلیلی می‌توان رابطه آن را با سرمایه اجتماعی مطالعه کرد. جدول ۷ آمار توصیفی گویه‌های تشکیل‌دهنده متغیر مشارکت سیاسی را نشان می‌دهد. پاسخ‌ها بر اساس طیف لیکرت با نه درجه تنظیم شده‌اند.

جدول ۷. آمار توصیفی گویه‌های تشکیل‌دهنده متغیر مشارکت سیاسی

گویه	N	میان	SD
هواداری از یک جناح خاص	۶۷۴	۴/۷۷	۳/۰۳
تشویق دیگران به رأی دادن به کاندیدایی خاص	۶۷۴	۴/۶	۳/۱
شرکت در سخنرانی‌های سیاسی	۶۷۴	۳/۳۳	۲/۷
مکاتبه با مقامات سیاسی	۶۷۴	۱/۸۲	۱/۷۸
ملاقات با مقامات سیاسی	۶۷۴	۲/۱۲	۱/۹۸
عضویت در تشکل‌های سیاسی دانشگاهی	۶۷۴	۲/۲۵	۲/۳۱
فعالیت در ستاد انتخاباتی	۶۷۴	۲/۴۱	۲/۵۵
همکاری نزدیک با یک حزب سیاسی	۶۷۴	۲/۹	۲/۳

به منظور ارزیابی رابطه سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی در نمونه حاضر، با توجه به سطح اندازه گیری فاصله ای برای هردو سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی، از روش همبستگی پیرسون استفاده شد. در ادامه، این همبستگی ارائه و تحلیل می شود.

جدول ۸. همبستگی سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی

متغیرها	نوع همبستگی	میزان همبستگی	مجذور R (R^2)	جهت همبستگی	سطح معناداری
سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی	پیرسون	۰/۳۱	۰/۱۰	مثبت	۰/۰۰۱

ضریب همبستگی بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی ۰/۳۱ به دست آمده است که در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است (جدول ۸). این بدان معناست که متغیر سرمایه اجتماعی ممکن است علتی برای کنش های سیاسی افراد باشد. پس با توجه به مثبت بودن جهت همبستگی می توان نتیجه گرفت که افزایش و کاهش سرمایه اجتماعی کاربران در فیس بوک، موجب افزایش و کاهش مشارکت سیاسی کاربر در دنیای واقعی می شود و در نتیجه، فرضیه مقاله تأیید می شود. پس از آزمون فرضیه، برای مشخص شدن همبستگی متغیر مشارکت سیاسی با هریک از مؤلفه های تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی در فیس بوک نیز آزمون همبستگی پیرسون انجام شد که در ادامه، جدول مربوط به آن ها ارائه می شود.

جدول ۹. همبستگی مؤلفه های تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی در فیس بوک با مشارکت سیاسی

متغیر	میزان همبستگی	مجذور R (R^2)	جهت همبستگی	سطح معناداری
شبکه های جهانی - ملی	۰/۱۴	۰/۰۲	+	۰/۰۱
باز یا بسته بودن شبکه دوستان	۰/۱۶	۰/۰۲	-	۰/۰۱
باز یا بسته بودن شبکه حاصل از گروه ها و صفحه ها	۰/۱۲	۰/۰۱	+	۰/۰۱
سرمایه اجتماعی منفی (حذف پسند، برجسب و...)	۰/۱۶	۰/۰۲۶	-	۰/۰۱
تراکم شبکه	۰/۱۱	۰/۰۱۲	-	۰/۰۱
نزدیکی فضایی بین اعضا	۰/۱۹	۰/۰۳۶	-	۰/۰۱
شرایط دستیابی به منابع	۰/۲۱	۰/۰۴۴	-	۰/۰۱
شکاف منابع مورد انتظار و حاصل شده	۰/۱۶	۰/۰۲۶	-	۰/۰۱

ادامه جدول ۹. همبستگی مؤلفه‌های تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی در فیس بوک با مشارکت سیاسی

متغیر	میزان همبستگی	مجدور R (R ²)	جهت همبستگی	سطح معناداری
هنجار و قواعد داخلی شبکه	۰/۱۶	۰/۰۲۶	-	۰/۰۱
اعتماد به دیگر کاربران	۰/۱۲	۰/۰۱۴	+	۰/۰۱
اعتماد به فیس بوک	۰/۰۷	۰/۰۰۴۹	-	۰/۰۶
هنجارهای کنش متقابل	-۰/۰۲	۰/۰۰۴	-	۰/۹۵

مرور کلی مؤلفه‌ها نشان می‌دهد همبستگی هیچ‌یک از این متغیرها با مشارکت سیاسی، بالا (حتی بالاتر از ۰/۳۰) نیست.

این نتیجه می‌تواند بیانگر این باشد که برای رفع این خلأ باید متغیر اعتماد نهادی/ مدنی در دنیای واقعی را نیز در رابطه با مشارکت سیاسی در تحقیق در نظر گرفت.

به‌هرروی، نتایج تا اینجا نشان می‌دهند که تقریباً همه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی با میزان مشارکت سیاسی افراد مرتبط‌اند، اما مؤلفه‌هایی مانند اعتماد به فیس بوک، شرایط دستیابی به منابع و نزدیکی فضایی اعضا، همبستگی بالاتری با مشارکت سیاسی دارند. درعین حال، هنوز مشخص نیست که کدام‌یک از این مؤلفه‌ها، نقش بیشتری در تبیین واریانس مشارکت سیاسی دارند.

در این قسمت، برای مشخص کردن نقش هر یک از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در فیس بوک و پیش‌بینی و تبیین واریانس مشارکت سیاسی، از رگرسیون هم‌زمان استفاده کردیم که خلاصه نتایج آن در جدول ۱۰ آمده است.

جدول ۱۰. خلاصه مدل پیش‌بینی مشارکت سیاسی، براساس مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی

SS	درجه آزادی	MS	F	سطح معناداری	R	R ²
۲۰۷۰۲/۶۸	۱۲	۱۷۲۵/۲۲	۷/۹۳	۰/۰۰۱	۰/۳۶	۰/۱۳
۱۴۳۲۴۴/۰۱	۶۶۱	۲۱۷/۶۲				
۱۶۴۵۵۲/۴۸	۶۷۳					

مقدار F مربوط به رگرسیون در گام اول ۷/۹۳ و در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است؛ بدین معنا که این مدل، قابلیت پیش‌بینی و تبیین واریانس مشارکت سیاسی را دارد. مقدار همبستگی چندگانه آن ۰/۳۶ است و در مجموع، می‌توان گفت سرمایه اجتماعی در فیس بوک، ۰/۱۳ از واریانس و

تغییرپذیری مشارکت سیاسی را تبیین می‌کند. به عبارت دیگر، با اینکه مقدار R2 بالا نیست، می‌توان پیش‌بینی کرد که با افزایش سرمایه اجتماعی افراد در فیس‌بوک، میزان مشارکت سیاسی آن‌ها در جهان واقعی نیز افزایش می‌یابد، اما این وابستگی چندان زیاد نیست و مشارکت سیاسی افراد در جهان واقع، صرفاً به فعالیت آن‌ها در فیس‌بوک و نیز سرمایه اجتماعی آن‌ها وابسته نیست.

این نتیجه نشان می‌دهد که با وجود تأیید فرضیه پژوهش، سرمایه اجتماعی در فیس‌بوک را نمی‌توان پیش‌بینی‌کننده‌ای قوی برای مشارکت سیاسی افراد در دنیای واقعی تلقی کرد؛ چراکه تنها ۱۳ درصد از تغییرات مشارکت سیاسی را تبیین می‌کند؛ بنابراین، برای دستیابی به مدلی قوی‌تر باید متغیرهای دیگری را نیز مطالعه کرد. همان‌گونه که در بالا مطرح شد، اعتماد نهادی/مدنی در دنیای واقعی را می‌توان یکی از این متغیرها در نظر گرفت.

در این مرحله، برای نشان‌دادن نقش هر یک از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در پیش‌بینی واریانس مشارکت سیاسی، از ضرایب استاندارد رگرسیونی (Beta) استفاده می‌کنیم.

جدول ۱۱. ضرایب استاندارد مربوط به مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی

Sig	T	β	B	پیش‌بین
۰/۰۷	۱/۷۹	۰/۰۷	۰/۴۵	جهانی یا محلی بودن شبکه‌ها
۰/۰۰۱	۴/۲۲	۰/۱۶	۰/۸۳	باز یا بسته بودن شبکه دوستان
۰/۰۵	۲/۴۰	۰/۰۹	۰/۵۷	باز یا بسته بودن شبکه حاصل از صفحه‌ها و گروه‌ها
۰/۰۹	۱/۶۵	۰/۰۸	۰/۰۳	سرمایه اجتماعی منفی
۰/۰۵	۲/۴۹	۰/۱۱	۰/۰۳	تراکم شبکه
۰/۱۱	۱/۵۹	۰/۱۳	۰/۰۲	نزدیکی فضایی اعضای شبکه
۰/۰۵	۲/۳۴	۰/۱۱	۰/۵۹	دسترسی به منابع
۰/۲۲	۱/۲۱	۰/۰۹	۰/۴۰	شکاف بین منابع
۰/۱۱	۱/۶۰	۰/۰۷	۰/۲۳	رعایت هنجارها و قواعد شبکه
۰/۶۵	۰/۴۵	۰/۰۲	۰/۰۸	اعتماد به دوستان
۰/۴۳	۰/۸۰	۰/۰۳	۰/۱۳	اعتماد نهادی/مدنی
۰/۳۲	۰/۹۹	۰/۰۴	۰/۵۵	هنجارهای کنش متقابل

نتایج نشان می‌دهد بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی، رابطه چندگانه وجود دارد. براساس مجذور R - که نشان‌دهنده همپوشانی واریانس‌هاست - در مجموع، ۱۳ درصد از واریانس متغیر مشارکت سیاسی، از طریق چهار شاخص سرمایه اجتماعی تبیین می‌شود (جداول ۱۰ و ۱۱). همچنین جدول ضرایب بتا (Beta) - که نقش جزئی هر یک از مؤلفه‌ها را نشان می‌دهد - بیانگر آن است که از میان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، باز یا بسته بودن شبکه دوستان ($t=۴/۲۲$ ، $p<۰/۰۱$)، باز یا بسته بودن شبکه حاصل از گروه‌ها و صفحه‌ها ($t=۲/۴۰$ ، $p<۰/۰۵$)، تراکم شبکه ($t=۲/۴۹$ ، $p<۰/۰۵$) و شرایط دستیابی به منابع ($t=۲/۳۴$ ، $p<۰/۰۵$)، نقش معناداری در تبیین واریانس مشارکت سیاسی دارند و مؤلفه‌های دیگر، علی‌رغم داشتن همبستگی با سرمایه اجتماعی، نقش تبیینی قدرتمندی ندارند.

این پژوهش، چهار مؤلفه جدید را برای تبیین و پیش‌بینی مشارکت سیاسی در دنیای واقعی ارائه کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد تغییرات مشارکت سیاسی، متأثر از چهار مؤلفه باز یا بسته بودن شبکه دوستان، باز یا بسته بودن شبکه حاصل از گروه‌ها و صفحه‌ها، تراکم شبکه و شرایط دستیابی به منابع است. در واقع، اگر سرمایه اجتماعی در فیس‌بوک یک واحد افزایش پیدا کند، مشارکت سیاسی ۰/۱۳ افزایش پیدا می‌کند. این افزایش، همان‌گونه که اشاره شد، از چهار مؤلفه تأثیر می‌پذیرد و مؤلفه‌های دیگری که با مشارکت سیاسی، همبستگی معنادار دارند، در این افزایش نقشی ندارند.

نتیجه‌گیری

یکی از نتایج این مطالعه، سنجش‌پذیری رابطه سرمایه اجتماعی در فیس‌بوک، با مشارکت سیاسی کاربران در دنیای واقعی است. به‌لحاظ نظری نشان داده شد که نظریه سرمایه اجتماعی پوتنام، نه تنها از لحاظ نظری برای تبیین این رابطه مناسب است، بلکه به‌لحاظ تجربی نیز قابل اثبات است؛ به‌ویژه هنگامی که با نظریه مشارکت سیاسی راش ترکیب شود. به‌همین منظور و برای سنجش مشارکت سیاسی، نظریه مشارکت سیاسی مایکل راش پس از ترکیب با نظریه سرمایه اجتماعی به‌کار گرفته شد. با استفاده از پیمایش آنلاین، داده‌های لازم برای تحلیل رابطه بین سرمایه اجتماعی کاربران فیس‌بوک و تمایل به مشارکت سیاسی در آن‌ها گردآوری شد.

بخشی از نتایج نشان می‌دهد رابطه سرمایه اجتماعی در فیس‌بوک با مشارکت سیاسی کاربران در دنیای واقعی، علی‌است و کاربری در فیس‌بوک نه تنها بر افزایش سرمایه اجتماعی

اثرگذار است، بلکه تمایل به مشارکت سیاسی را در میان کاربران افزایش می‌دهد. همچنین چارچوب نظری و شاخص‌های ارائه شده، قابلیت پیش‌بینی متغیر مشارکت سیاسی در دنیای واقعی را دارند. براساس نتایج، با مطالعه سرمایه اجتماعی در شبکه اجتماعی فیس‌بوک و یافتن راهکارهای ارتقای آن می‌توان برای بالابردن مشارکت سیاسی شهروندان ایرانی بهره برد و اتحاد اجتماعی را افزایش داد. اهمیت این مسئله از آنجا ناشی می‌شود که هر ساله دولت‌ها، مبالغ هنگفتی را برای افزایش مشارکت سیاسی و مدنی شهروندان هزینه می‌کنند، اما با استفاده از نتایج این پژوهش و استفاده از شبکه اجتماعی فیس‌بوک می‌توان با هزینه‌ای بسیار کمتر به این اهداف دست یافت. از سوی دیگر، ضعیف بودن همبستگی بین دو متغیر اصلی پژوهش نشان می‌دهد که متغیرهای دیگری در کارند که در تبیین واریانس مشارکت سیاسی در دنیای واقعی باید مطالعه شوند.

مقادیر همبستگی مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی در فیس‌بوک با مشارکت سیاسی در دنیای واقعی، اندک است و ضعیف بودن این رابطه را نشان می‌دهد. ریشه‌یابی این ضعف و تبیین آن، به انجام پژوهش‌های بیشتری نیاز دارد. در کنار این مؤلفه‌های نه‌چندان هم‌بسته، بعضی از مؤلفه‌ها با این متغیر رابطه‌ای ندارند. یکی از این مؤلفه‌ها، اعتماد نهادی / مدنی است. البته باید دقت کرد که منظور از اعتماد نهادی / مدنی در اینجا اعتماد به فیس‌بوک است. به‌هرروی، اعتماد یا بی‌اعتمادی به فیس‌بوک، تأثیری بر میزان مشارکت سیاسی افراد ندارد و این دور از انتظار نیست.

با توجه به یافته‌های دیگر پژوهش درمورد رابطه سرمایه اجتماعی در فیس‌بوک و مشارکت سیاسی افراد در دنیای واقعی می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که اعتماد نهادی / مدنی به حکومت، سهم بسیاری در مشارکت سیاسی دارد. مؤلفه دیگری که با مشارکت سیاسی در دنیای واقعی رابطه ندارد، هنجارهای کنش متقابل است. با توجه به اینکه این مؤلفه به ارتباط‌های بین‌فردی کاربران می‌پردازد، بی‌ارتباط بودن آن با مشارکت سیاسی در دنیای واقعی منطقی به‌نظر می‌رسد.

نکته دیگر در مؤلفه‌ها، همبستگی منفی سرمایه اجتماعی منفی با مشارکت سیاسی در دنیای واقعی است که این امر نیز منطقی به‌نظر می‌رسد. همبستگی منفی بین این دو متغیر نشان می‌دهد هرچه کاربران تعداد بیشتری پست، کامنت و ... را آنالایک کنند یا تعداد بیشتری از دوستان خود را حذف کنند، مشارکت سیاسی پایین‌تری در دنیای واقعی دارند.

رگرسیون هم‌زمان نیز نقش شاخص‌های تبیین‌کننده سرمایه اجتماعی در فیس‌بوک را مشخص کرد. با توجه به جدول رگرسیون، باز یا بسته‌بودن شبکه دوستان، باز یا بسته‌بودن شبکه حاصل از گروه‌ها و صفحه‌ها، تراکم شبکه و شرایط دستیابی به منابع، چهار شاخص تبیین‌کننده مشارکت سیاسی کاربران هستند. هرچه کاربران در روابط با یکدیگر بازتر عمل کنند، مشارکت سیاسی بیشتری دارند؛ بنابراین، از بین شاخص‌های سنجش سرمایه اجتماعی در فیس‌بوک، آن‌هایی که بیشتر نشان‌دهنده جنس رابطه افراد هستند، نقش بیشتری در پیش‌بینی مشارکت سیاسی دارند.

در پژوهش‌های آتی می‌توان شاخص‌های مشارکت سیاسی در شبکه‌های اجتماعی مجازی را تبیین کرد و نسبت آن را با مشارکت سیاسی در دنیای واقعی مشخص ساخت. همچنین می‌توان رابطه مشارکت سیاسی در شبکه‌های اجتماعی با سرمایه اجتماعی در این سایت‌ها را مطالعه کرد؛ علاوه‌براین، می‌توان از شاخص‌های سنجش سرمایه اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی مجازی در پژوهش‌های دیگر بهره برد و رابطه این متغیر را با متغیرهایی مانند هویت ملی، مشارکت مدنی و... مطالعه کرد.

منابع

- اکبری، امین (۱۳۸۳)، نقش سرمایه اجتماعی بر مشارکت: بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی - اجتماعی (مطالعه موردی: روستای فارسینج از توابع شهرستان سنقر)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
- الوانی، مهدی و سید نقوی، علی (۱۳۸۰)، «سرمایه اجتماعی، مفاهیم و نظریه‌ها»، فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۳۳ و ۳۴: ۳-۲۶.
- بی، ارل (۱۳۸۴)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه رضا فاضل، تهران: سمت.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه.
- راش، مایکل (۱۳۹۰)، جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صابری، تهران: انتشارات سمت.
- سید امامی، کاووس (۱۳۸۶)، «مشارکت سیاسی دانشجویان: ارزیابی برخی از پیش‌بینی‌کننده‌های مشارکت سیاسی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۱: ۵۹-۷۸.
- عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۸)، پژوهش مجازی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

- عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۹)، **شبکه‌های علمی مجازی**، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- عبداللهیان، حمید و زنده دل نوبری، بابک (۱۳۸۷)، «پیمایش و نمونه‌گیری روی خط؛ مشکل معرف‌بودن و راه‌حل‌های آن»، **مجموعه مقالات اولین سمینار تخصصی نظرسنجی الکترونیکی**، تهران: مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران: ۳۸-۵۵.
- عبداللهیان، حمید و کرمانی، حسین (۱۳۹۲)، «سنجش سرمایه اجتماعی کاربران ایرانی شبکه اجتماعی فیس‌بوک»، **فصلنامه تحقیقات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری**، شماره ۳: ۱-۲۶.
- عبداللهیان، حمید و حقیقی، احسن (۱۳۸۸)، «تبیین رابطه کاربری اینترنت و مشارکت سیاسی در ایران»، **مجله جامعه‌شناسی ایران**، شماره ۴: ۱۳۱-۱۵۹.
- فتحی، محمدحسین (۱۳۸۵)، **بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی جوانان شهر اسلامشهر**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
- فیلد، جان (۱۳۸۸)، **سرمایه اجتماعی**، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضوانی، تهران: نشر کویر.
- ملک‌میان، لینا و شیرانی، پرویز (۱۳۶۴)، **کاربرد روش‌های نمونه‌گیری در علوم اجتماعی**، تهران: انتشارات کلمه.
- مشرق نیوز (۱۳۹۲)، **چند میلیون ایرانی کاربر فیس‌بوک هستند؟/ ایران اولین کشور در ضریب نفوذ اینترنت در خاورمیانه**، قابل دسترسی در: <http://goo.gl/uWSIZn>
- منظور، داوود و یادی‌پور، مهدی (۱۳۸۷)، «سرمایه اجتماعی عامل توسعه اجتماعی و اقتصادی»، **راهبرد یاس**، شماره ۱۵: ۱۴۰-۱۶۲.
- Adler, Richard P. & Goggin, Judy (2005), What Do We Mean By "Civic Engagement"? **Journal of Transformative Education**, No 3:236-253.
- Creswell, John W. (2009), **Research Design: Qualitative Quantitative and Mixed Methods Approaches**, Los Angeles: Sage Publications.
- Ellison, N. B., Steinfield, C., & Lampe, C. (2007), The benefits of Facebook "friends": Social capital and college students' use of online social network sites, **Journal of Computer-Mediated Communication**, No 12(4): 1143-1168.
- Franke, Sandra (2005), **Measurement of Social Capital, Reference Document for Public Policy Research, Development, and Evaluation**, Toronto: Canada.
- Farrell, Ann; Tayler, Collette P., & Tennent, Lee (2003), Social capital and early childhood education, **Perspectives on Educational Leadership**, No 13(7): pp. 1-2.
- Gonzales, Amy L. (2015), Disadvantaged Minorities Use of the Internet to Expand Their Social Networks, **Communication Research**, 0093650214565925, first published on January 13, 2015 doi:10.1177/0093650214565925

- Gustafsson, Nils (2012), The subtle nature of Facebook politics: Swedish social network site users and political participation , *New Media & Society*, No 14: 1111-1127.
- Hanifan, L. J. (1920), **The Community Center**, Boston: Silver Burdett.
- Internet World Stats (2015), Iran (Islamic Republic of) retrievable from:
http://www.internetworldstats.com/stats5.htm
- Kobayashi Tetsuro (2009), Bridging Social Capital in Online Communities: Heterogeneity and Social Tolerance of Online Game Players in Japan , **Information and Society Research Division**, National Institute of Informatics, Chiyoda-ku, Tokyo 101-843.
- Kushin, Matthew J. & Kitchener, Kelin (2009), Getting political on social network sites: Exploring online political discourse on Facebook , *First Monday*, No 14:11 ° 2.
- Lee, Junghee and Lee, Hyunjoo (2010), The computer-mediated communication network: exploring the linkage between the online community and social capital *New Media & Society*, No 12: 711-727.
- Morris, David S. and Morris, Jonathan S. (2013), Digital Inequality and Participation in the Political Process: Real or Imagined? , *Social Science Computer*, No 31: 589-600.
- Papacharissi, Z. & Mendelson, A. (2011), **Toward a New(er) Sociability: Uses, Gratifications and Social Capital on Facebook, Media Perspectives for the 21st Century**, Stelios Papathanassopoulos (Ed.), Routledge.
- Papacharissi, Z. (2004), Democracy online: civility, politeness, and the democratic potential of online political discussion groups , *New Media Society*, No 6(2): 259-283.
- Papacharissi, Z. (2002), The presentation of self in virtual life: Characteristics of personal home pages , **Journalism and Mass Communication Quarterly**, No 79(3): 643-660.
- Putnam, Robert D. (with Leonardi, R., and Nanetti, R.) (1993), **Making democracy work. Civic traditions in modern Italy**, Princeton: Princeton University Press.
- Putnam, Robert D. (1995), Bowling alone: America's declining social capital **Journal of Democracy**, No 6: 65-78.
- Putnam, R.D. (2000), **Bowling alone. The collapse and revival of American community**, New York: Simon and Schuster.
- Rohle, Theo (2005), Power, reason, closure: critical perspectives on new media theory , *New Media Society*, No 7: 403.
- Roßteutscher, Sigrid (2007), **Social Capital and civic engagement: a comparative perspective**, New York: Oxford.
- Schneider, Jo Anne (2007), Connections and Disconnections between Civic Engagement and Social Capital in Community-Based Nonprofits , **Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly**, No 36: 572.
- Seongyi, Yun and Woo-Young, Chang (2011), Political Participation of Teenagers in the Information Era , *Social Science Computer*, No 29: 242-249.
- Stone, Wendy (2001), **Measuring Social Capital**, Sydney: Australian Institute of Family Studies.
- Tapia, H & Ortiz, Julio Angel (2010), Network Hopes: Municipalities Deploying Wireless Internet to Increase Civic Engagement, **Social Science Computer**, No 28: 93.
- Tang, Gary and Lee, Francis L. F. (2013), Facebook Use and Political Participation: The Impact of Exposure to Shared Political Information, Connections with Public Political Actors, and Network Structural Heterogeneity **Social Science Computer**, No 31: 763-773.
- Vanhoutte, Bram (2011), **Social Capital and Well-Being in Belgium (Flanders), Identifying the role of networks and context**, PHD thesis, The University of Manchester.
- Valenzuela, Sebastian et al. (2009), Is There Social Capital in a Social Network Site? Facebook Use and College Students' Life Satisfaction, Trust, and Participation , **Journal of Computer-Mediated Communication**, No 14: 875° 901.

- Van Schaik, Ton (2002), **Social Capital in the European Values Study Surveys**, Country paper prepared for the OECD-ONS International Conference on Social Capital Measurement London.
- Wagle, Udaya R. (2006), Political Participation and Civic Engagement in Kathmandu: An Empirical Analysis with Structural Equations , **International Political Science Review**, No 3: 301-322.
- Waller, Lloyd George (2013), Enhancing Political Participation in Jamaica , **SAGE Open**, No 2: 1° 9.
- Wellman, Barry, et.al. (2001), Does the Internet Increase, Decrease, or supplement Social Capital? Social Networks, Participation, and Community Commitment , **American Behavioral Scientist**, No 45: 436.
- Woody Stanley J. and Christopher Weare (2004), The Effects of Internet Use on Political Participation: Evidence from an Agency Online Discussion Forum , **Administration & Society**, No 36: 503~ 527.

